

قضیه حراج دختران و زنان ایرانی در فجیره که با تکذیب مسئولان نظام ولایت فقیه روبرو شد نه تنها موجب تهیه گزارش جامع و دقیقی از موضوع و ارائه آن به جامعه نگردید بلکه با تکذیب مسئولان نظام ولایت فقیه روبرو شد. مساله تکذیب اینگونه اخبار از طرف گردانندگان رژیم امری مسلم است ولی مساله اصلی نحوه تکذیب آنها است! آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه که در امر تکذیب هر خبری که به نحوی از انحاء اتهامی را متوجه نظام ولایت فقیه میکند استاد است و در واقع این سخنگو حکم "قالباق" رژیم را دارد که پیچ و مهره های زشت منظر را میپوشاند؛ در تکذیب خبر حراج و قاچاق زنان و دختران ایرانی می گوید: "چون این دختران با میل خود و به طور قانونی خارج می شوند ما نمی توانیم از نظر قانونی با آنها برخورد کنیم!" غلامحسین الهام سخنگوی قوه قضاییه نیز گفته است: بر اساس مدارک موجود موضوع قاچاق انسان در کشور به این معنا نیست که افرادی را می دزدند و به صورت برده از کشور خارج می کنند، بلکه عموماً افرادی خود به هر انگیزه تن به فساد می دهند و در عرصه این کار آلوده می شوند". و

علی یونسی " وزیر " اطلاعات در گفتوگو با خبرنگاری دانشجویان ایران (ایسنا)، این خبر را صرفاً «یک خبر تبلیغاتی سوء» عنوان کرد " این اخبار به هیچ وجه صحت ندارد و به فرض اگر خبر حراج دختران و زنان ایرانی در امارات واقعیت داشت روزنامه ها نباید این خبر را تیتز می زدند؛ در حالی که این خبرها راست هم نبوده و نیست. این مطالب و خبرها تکذیب کننده امنیت جامعه است در صورتی که ما باید دست به دست هم دهیم و امنیت را هرچه بیشتر حاکم سازیم. این نشانه های مسوولیتناشناسی یک رسانه است که عیب کوچکی را بزرگ کند و سعی کند که جامعه و یا نهادی را ناامن نشان دهد!"

کافی است به این خبر روزنامه اعتماد توجه کنیم تا میزان "امن" بودن ایران را که تمامی مسئولان این نظام خصوصاً یونسی " وزیر " اطلاعات مدعی وجود آنند روشنتر شود! "رای دادگاه عمومی تهران درباره اعضای باند آدمربا، معروف به «باند کبیر» که با عناوین رسمی خود اقدام به ربودن افراد و آزار و شکنجه آنان می کردند، انتشار یافت. در پرونده باند کبیر که یکی از تبهکاری های سازمان یافته به شمار می رود، نام یکی از کارکنان سطح بالای وزارت کشور به چشم می خورد. وی به نام حسین کبیر، کارشناس امور حقوقی مرزها، از اداره کل امور مرزی معاونت وزارت کشور بوده است که با همدستی عده ای از جمله یک سرگرد بازنشسته سپاه پاسداران و چند تن دیگر از جمله دو پاسدار، اقدام به آدمربایی می کردند. این عده با لباس ماموران و با در دست داشتن مدارک شناسایی جعلی (به عنوان ماموران ویژه اطلاعاتی) و برگزاری تور ایست بازرسی در نقاط مختلف تهران، افراد مورد نظر خود را می ربودند و آنها را با چشم های بسته به مخفیگاهی که به شکل بازداشتگاه امنیتی درآورده بودند، می بردند. اعضای باند، افراد ربوده شده را شبانه روز مورد بازجویی و شکنجه قرار می دادند و سپس آنها را با گرفتن میلیون ها تومان پول آزاد می کردند. یکی از ربوده شدگان «نادر دیزجیان» بود که وی را در شهرک ژاندارمری دزدیدند و هنگام انتقال، وی در بزرگراه شهید همت با افراد رباینده درگیر شد. اعضای باند هم که لباس ماموران را به تن داشتند، برای چند دقیقه بزرگراه را با استفاده از چراغ های گردان و پیجر بستند و در برابر چشم رهگذران به فرد ربوده شده کتک مفصلی زدند و سپس او را به منزلی در شهریار انتقال دادند!

وقتی درپایتخت و در محل استقرار وزارت اطلاعات که مدعی است تمام دشمنان را در اقصی نقاط دنیا زیر ذره بین دارد! بتوان بزرگراه را بست و چندین سال و ماه بدینسان و با لباس ماموران امنیتی و انتظامی آدم ربایی کرد؛ هم دم خروس بیرون میزند و هم دست داشتن مسئولان رژیم در آدم ربایی های کلان تر محرز میگردد که نمونه های فوق تنها جهت رد گم کنی و نمایش "تلاش وزارت اطلاعات برای " حفظ امنیت " فاش میگردد!

و اما برای بررسی استدلالهای آصفی سخنگوی وزارت امور خارجه و الهام سخنگوی قوه قضاییه این نظام در مورد تمایل خود دختران و زنان در سوء استفاده جنسی از آنان و دست بسته بودن نظام در برخورد با این مساله بهتر

است به کنوانسیون و پروتکل پیشگیری، منع و مجازات قاچاق زنان و کودکان؛ سازمان ملل نگاهی بیندازیم که پدیده قاچاق انسان را چگونه معنا کرده است. این پروتکل حاوی توضیحاتی درباره اهداف اصلی پروتکل، رابطه آن با کنوانسیون سازمان ملل بر علیه جنایت سازمان یافته و همچنین شیوه های اجرای آن می باشد.

«قاچاق انسان» در ماده 2 این پروتکل بدینسان تعریف می شود: اصولاً قاچاق مرکب از اعمالی است که طی آن جرمین قربانیان را تحت کنترل خود درمی آورند و این کار را با روش های اجباری یا فریبنده یا روابط استثمارگرانه انجام می دهند، همچون رابطه والدین با فرزندان که در آن یک طرف قدرت یا نفوذ اندکی داشته و بدین ترتیب در برابر قاچاق آسیب پذیر است. هنگامی که کنترل اولیه حاصل شد، قربانیان به عملی انتقال داده می شوند که بازاری برای خدمات آنها موجود است و آنان اغلب فاقد تسلط به زبان و دیگر اطلاعات ابتدایی برای درخواست کمک می باشند. مقصدها عموماً در کشورهای خارج است گرچه همیشه چنین نیست - لازم نیست که عبور از مرزهای بین المللی صورت گیرد. به محض ورود به مقصد، قربانیان مجبور به کار در مشاغل دشوار، خطرناک و معمولاً ناخوشایند، همچون تن فروشی، تولید پورنوگرافی کودکان یا کارهای شاق معمولی می شود تا برای قاچاقچیان تولید منفعت کنند. قربانیان، همچون دیگر کالاهای قاچاق، گاه بسادگی از یک باند جنایتکار به یک باند جنایتکار دیگر فروخته می شوند، اما بر خلاف کالا، آنان مجبور به دوره های طولانی کار در مقصد نهایی شده و سود کلان تری برای قاچاقچیان در همه این مراحل تولید می کنند.

ماده 3، پاراگراف (آ)، در این پروتکل قاچاق را چنین تعریف می نماید: «قاچاق انسان» به معنای جلب افراد، حمل و نقل، جابجایی، پناه دادن یا تحویل گرفتن افراد، به وسیله تهدید یا استفاده از زور و یا دیگر اشکال اجبار، آدم ربایی، کلاهبرداری، فریب، سوءاستفاده از قدرت و یا موقعیت آسیب پذیری، یا دادن یا گرفتن پول یا منافع برای کسب رضایت فردی که کنترل فرد دیگری را در دست دارد، به منظور بهره ربایی (استثمار) می باشد. بهره ربایی شامل، حداقل، بهره وری از تن فروشی دیگران یا دیگر اشکال استفاده جنسی، کار یا خدمات تحمیلی، برده داری یا اشکال مشابه برده داری، بندگی یا برداشتن اعضای بدن است. قربانیان اغلب در اولین مرحله، به خاطر فریب یا اطلاعات غلط درباره جایی که برده می شدند یا آنچه که در انتظارشان بود، با رضایت به قاچاق تن می دادند.

یاد آور زورمدارانی چون اصفی و الهام مینایم که بر طبق این پروتکل که حاصل کار جمعی ملل مختلف است و نظام ولایت فقیه هیچگاه آن را نپذیرفته است و منتصبان مجلس فرمایشی هفتم "رهبر" هنوز بر ضدلیهای غصبی خود جا خوش نکرده تصریح کرده اند که کنوانسیون زنان و جنین پروتکلی را امضاء نخواهد کرد؛ در مورد رضایت افراد تصریح میشود: "قربانیان اغلب در اولین مرحله، به خاطر فریب یا اطلاعات غلط درباره جایی که برده می شدند یا آنچه که در انتظارشان بود، با رضایت به قاچاق تن می دادند ولی واقعیت این است که هر رضایت اولیه ای معمولاً به خاطر فریب مقدماتی یا استفاده از زور و دیگر اشکال اجبار و آزار از طرف قاچاقچیان، بی معنی شمرده می شود. و در حالی که مسئولان نظام حاکم از هرگونه قبول مسئولیتی در قبال قربانیان قاچاق انسان سر باز میزنند و به صرف اینکه بقول یونسی " این مطالب و خیرها تکذیبکننده امنیت جامعه ماست " انتشار آن را بر مطبوعات ممنوع میکنند؛ پروتکل سازمان ملل تصریح می کند که: "قربانیان قاچاق معمولاً در معرض خطر بیشتر بوده و بیشتر به کمک و حمایت نیاز دارند، بویژه اگر به کشور خود برگردانده شوند. و همچنین کشورها را به حمایت های اجتماعی از قربانیان از جمله مشاوره، مسکن، آموزش و مراقبت های بهداشتی فرا می خواند."

در حالی که مسئولان نظام ولایت فقیه هنوز بر پنهانکاری و کذب دانستن اخبار قاچاق و یا حراج زنان و دختران ایرانی مصرند و "برخورد پلیسی" را تنها راه حل میدانند. همچنانکه لئارات ارگان انصار "حزب الله"، راه حل مقابله با بدحجابی را که بزرگترین مظهر فساد میدانند «برخورد پلیسی»

عنوان میکند و عباسعلی اختزی " نماینده منتصب مجلس رهبر " در 27 خرداد در گفتگو با خبرنگار ایرنا اعلام کرد: مجلس هفتم برای برخورد با بدحجابی در جامعه برنامه دارد! " نابسامانیهای اجتماعی اعم از اعتیاد و فحشا و رانت و ... در ایران رو به گسترش است .

به زعم نگارنده اگر فحشاء را نه تنها به عنوان ابزار وحشیانه تسلط جنس مذکر بلکه همچنین به مثابه تظاهر افراطی روابط ناعادلانه اقتصادی اجتماعی ارزیابی کنیم و قبول کنیم که فروش تن یا دقیقتر گفته شود اجاره آن برای استفاده جنسی، آخرین راه حل ممکن برای افرادی است که دیگر امکانات متعارف و قانونی اقتصادی از جمله و به ویژه کار کردن یا بهره جویی از کمه های اجتماعی برایشان غیر قابل دسترسی است و خود نشان مرگ ارزشها در جامعه است انوقت است که فحشاء را بخشی از اقتصاد غیر رسمی مثل سرقت، فروش مواد مخدر، گدایی یا فروش خون و اعضای بدن ارزیابی میکنیم و قبول میکنیم که روسپی گری آزادانه و با طیب خاطر انتخاب نمی شود .

نبود قانون حامی زنان و دامن زدن رژیم به امر فحشاء و توسط گروههای مافیای آن که سود کلانی را از این بابت همچون مواد مخدر به جیب میزنند و در عین حال سوء استفاده از این امر جهت اعمال سرکوب علیه زنان و ایجاد جو رعب و وحشت اکنون دیگر امری نیست که از دید مردم ایران پنهان مانده باشد .

---

دکتر مبرمحمد صادقی، حقوقدان و استاد دانشگاه در مورد رشد جرایم سازمان یافته در ایران و قاچاق می گوید: در قوانین ما به پدیده های سازمان یافته به عنوان جرم جمعی نگاه نشده است و می توانیم در مورد جرایم سازمان یافته به طور خاص قانون داشته باشیم که متأسفانه نداریم، زیرا جرایم سازمان یافته با از بین رفتن افراد از بین نمی رود.

از طرف دیگر مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران اعلام کرد 77/9 درصد از شهروندان تهرانی، اصلی ترین عامل تداوم حضور زنان خیابانی و شیوع این پدیده در سطح شهر را نبود برنامه ای صحیح، جامع و دقیق از سوی مسئولان می دانند. در تحقیق «بررسی نگرش شهروندان تهرانی در مورد زنان خیابانی» مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران، آمده است: آلودگی اجتماعی زنان در کلان شهرهای کشور از جمله تهران، تبریز، اصفهان، مشهد و کرج، چنان افزایش یافته است که سن گرایش به مسائل منکراتی از 27 سال در سال 1367 به 16 سالگی در سال 1378 کاهش یافته است.

و بنا بر یک منبع رسمی در تهران نرخ رشد تعداد دختران نوجوان در فاحشه گری 635 درصد بوده است. بالابودن این آمار حکایت از این دارد که چگونه این نوع از آزار بسرعت رشد کرده است. در تهران بطور تخمینی 84000 زن و دختر فاحشه وجود دارد. بسیاری از آنها در خیابانها هستند، برخی دیگر در 250 فاحشه خانه که بنا بر گزارش هایی در تهران اداره می شوند، هستند. به قول رئیس دفتر انترپول در ایران این تجارت همچنین بین المللی است: هزاران زن و دختر ایرانی در بردگی سکس در خارج به فروش رسیده اند. وی معتقد است که امروزه تجارت برده سکس یکی از سودآورترین کارها در ایران است. یکی از عواملی که به ازدیاد فحشا و تجارت برده سکس کمک می کند، تعداد دختران جوانی است که از خانه فرار می کنند. دختران علیه محدودیتهای بنیادگرایانه ای که بر آزادی آنها تحمیل می شود، بر علیه آزار در خانه و اعتیاد والدین شورش می کنند. متأسفانه دختران در راه مبارزه برای آزادی، با آزار بیشتر و استثمار روبرو می شوند. 95 درصد دخترانی که از خانه فرار می کنند به فحشا کشیده می شوند. تنها در تهران تخمین زده شده است که 25000 کودک خیابانی، در نتیجه فرار از خانه، وجود دارند که بیشتر آنها دختر هستند. این تجارت جنایت آمیز بدون اطلاع داشتن و شرکت بنیادگرایان حاکم صورت نمی گیرد. مقامات دولتی خود نیز در خرید و فروش و آزار جنسی زنان و دختران دست دارند.

اما چاره چیست؟ به اعتقاد نگارنده نظام اجتماعی مجموعه ای از ساختها و ساختها نیز مجموعه ای از روابط هستند که مدار همه آنها زور است که در اندیشه تک تک مردم اصالت دارد. خود این نابسامانیهای اجتماعی مجموعه بغرنجی را بوجود می آورند و کدیگر را بوجود می آورند و ایجاب میکنند. فحشا نوعی تسلیم شدن به جبر اجتماعی است. به نبود امنیت و فقر و تورم و رانت و فرار سرمایه های انسانی و گسترش جهل و وجود بنیاد های اجتماعی و بنیادهای تربیتی قدرت مدار و فقدان سازمان های اجتماعی و نهادهای مناسب برای حمایت از زنان و دختران و عدم اقدامات پیشگیرانه حمایتی و آموزشی و اصرار بر روشهای پلیسی و سرکوب و پرداختن ظاهری به معلول و نه علت و... بستگی تام دارد. بسیاری از این تمهیدات میتوانند و بایستی از سوی خود ملت اندیشیده شوند و صرف اتکا به دولت آنها دولتی در چهره خوب نظام ولایت فقیه که خود بجران ساز و مساله ساز است؛ سرابی بیش نیست و تسلسلی را بوجود می آورد که همچون کلافی تنها بر دست و پای ملت ایران پیچیده میشود.

قبول این امر که گسترش و تکاثر نابسامانیها خود ناشی از افزایش نقش زور در روابط اجتماعی است باعث میگردد که بپذیریم همه و هر عضو جامعه در مقابل افزایش نقش زور در جامعه مسئول اند. هیچ معضلی خواه معضل بیکاری؛ خواه معضل فحشا و قاچاق زنان و دختران و خواه معضل اعتیاد بیکار نمی ماند بلکه فعال میشود و دامنه ویرانگریش افزایش میابد. چرا که هر نیرویی اگر در رشد بکار نیفتد در ویرانگری بکار میافتد. پس هر نیروی ویرانگری عرصه اجتماعی میخواهد و عرصه اجتماعی را برای مافیا؛ زورمداری جامعه بوجود می آورد. تا زنان و دختران خود را حقوقمند نشانند در معرض دام مافیا قرار میگیرند. نظام ولایت فقیه هرگز زن را به عنوان انسانی که میباید نظام اجتماعی سازگار با انسان حقوقمند را بیابد نخواهد پذیرفت. شناساندن و تذکار حقوق شهروندان به آنها را نه از دولت و نظام حاکم بایستی انتظار داشت این مهم از وظایف نهاد های خودجوش فرهنگی مردمی و نیز اپوزیسیون سیاسی است که در گفتار و کردار بایستی خود الگوی حقوقمندی بشمار آیند.

پس کار بایسته در ریشه کردن نابسامانیهای موجود؛ حذف این نظام بعنوان مانع رشد زنان جامعه بطور اخص و کل جامعه بطور اعم؛ به همراه انقلاب اصلی و بنیادی در نگرش به خود و از اصالت انداختن باور به قدرت در اذها ن است. این مهم هر چه به تاخیر افتد درجه سلامت جامعه را تا به حدی به خطر میاندازد که شاید دیگر فردا دیر باشد!